

سبک زندگی اسلامی و تفاوت آن با سبک زندگی غربی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای

طالب حسین رضایی^۱

چکیده

سبک زندگی از مباحث مهم در علوم جامعه‌آسی، علوم تربیتی، علم اخلاق و حتی علم اقتصاد است. مفهوم سبک زندگی را برای تبیین رفتارهای فرهنگی - اجتماعی به کار می‌برند که نوعاً نشان‌دهنده واقعیت پیچیده رفتارها و حتی نگرش در جامعه است. سبک زندگی در تمدن اسلامی بخش حقیقی و اصلی است و هدف دین اسلام هم ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. مراد از سبک زندگی اسلامی، آن نوع از سبک زندگی است که از آموزه‌های قرآن و روایات سرچشمه گرفته است. هدف این پژوهش، بیان افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی است که با روش توصیفی-تحلیلی و به صورت کتابخانه‌ای نگارش شده است. نتایج این نوشتار نشان می‌دهد که اهمیت تفکر و اندیشه، ایمان به خدا و غیب، علم و آگاهی از واقعیت، توجه به الگوگیری از اهل بیت (ع) به عنوان الگوهای کامل و معصوم، از امتیازات سبک زندگی اسلامی در مقابل سبک زندگی غربی است. این امتیازات با پارامترهای فرهنگی و رفتاری، در اوصاف فردی، خانواده و روابط اجتماعی نیز در سبک زندگی اسلامی قابل مشاهده است؛ زیرا تمام این‌ها مبتنی بر ایمان و عمل صالح یا نوع جهان‌بینی یک مسلمان است که به عنوان معیار اساسی سبک زندگی اسلامی یا حیات طیبه محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی، حیات طیبه، آیت الله خامنه‌ای

۱. دانشجوی دکتری فلسفه اسلامی، مجتمع آموزش عالی حکمت و مطالعات ادیان، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
talibhussainrezaie@gmail.com ایمیل:



مقدمه

سبک زندگی یک مفهوم عام و مهم است که در علوم اجتماعی، علوم تربیتی، علم اخلاق و حتی علم اقتصاد از آن بحث می‌شود. این مفهوم برای توضیح رفتارهای فرهنگی و اجتماعی استفاده می‌شود که به طور واقعی نشان‌دهنده پیچیدگی رفتارها و حتی نگرش‌ها در جامعه است. سبک زندگی اسلامی به معنای سبک زندگی‌ای است که از آموزه‌های قرآن، سیره روایات معصومین گرفته شده است. از سویی به باور برخی اندیشمندان اسلامی، مسلمانان به شدت تحت فشار هجوم فرهنگ غربی واقع شده‌اند؛ به نحوی که سبک زندگی غربی در زندگی مسلمانان خودنمایی می‌کند. بنابراین می‌طلبید که افتراقات این دو نوع سبک زندگی، برجسته و نمایانده شود تا مسلمانان نسبت به این امر و برای مقابله با این تهاجم فرهنگی، آگاهی لازم را داشته باشند. برای مقابله با این تأثیرات فرهنگ غربی، نیاز به جهاد همه‌جانبه و هوشمندانه است که جوانان نقش مهمی در آن دارند. هر مکتب و مذهب، سبک زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد و مدعی است که جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی سالم و درست است. دین اسلام چون برای تکامل بشریت و به سعادت رساندن انسان‌ها از طرف خالق هستی نازل شده، برای بشریت دین کاملی با برنامه‌های اساسی است.

سبک زندگی پدیده‌ای از جهان نوین است که در جوامع مدرن شکل می‌گیرد. این مفهوم برای توصیف کنش‌ها و واکنش‌های افراد و جوامع استفاده می‌شود. سبک زندگی با فرهنگ، اخلاق، ایدئولوژی، شخصیت، هویت، مصرف و نیازهای ارتباطی، مرتبط است. بنابراین سبک زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، تلقی‌ها و سلیقه‌ها است که در جامعه ظاهر می‌شود و باعث شکل‌گیری یک سبک زندگی مشترک بین افراد می‌شود. این سبک زندگی به افراد هویتی ویژه می‌بخشد و علاوه بر برآورده سازی نیازهای انسان، هویت شخصی را نسبت به دیگران مشخص می‌کند. در مطالعه سبک زندگی، در دو حوزه شاخصه‌های نظری و عینی بررسی شود. شاخصه‌های نظری شامل مطالعه ارزش‌ها و هویت است، در حالی که شاخصه‌های عینی شامل



مطالعه الگوی مصرف، کالاهای مصرفی و الگوی تفریح است. در جوامع اسلامی، دین نقش مهمی در سبک زندگی افراد دارد. ایمان به غیب یکی از شاخصه‌های مهم جوامع اسلامی است که تأثیر شگرفی در سبک زندگی اسلامی دارد.

۱. مفهوم سبک زندگی

سبک زندگی، پدیده جوان و نوظهوری است که کمتر از نیم قرن از عمر آن نمی‌گذرد. معادل واژه سبک در زبان عربی تعبیر «اسلوب» و در زبان انگلیسی «Style» است. عبارت سبک زندگی در شکل نوین آن بار اول توسط آلفرد آدلر در سال ۱۹۲۹ میلادی در روان‌شناسی مطرح شد. این مفهوم، ترکیبی از دو واژه «سبک» و «زندگی» است که در علوم اجتماعی، علوم اقتصادی، علوم تربیتی و اخلاق و غیره، معنای خاصی دارد. این مفهوم، با وجود گستردگی و تنوع محتوایی که دارد، در تعبیر لغوی خود ثابت است و تنها تعبیر فنی علمی آن تغییر می‌کند؛ اما ریشه‌های معنایی لغوی آن تغییر نمی‌کند. واژه «سبک» در لغت به معنای روش، شیوه، طرز، راه و رسم، قاعده، اسلوب و... آمده است. (معین، ۱۳۷۱: ۱۸۱۸) واژه «زندگی» نیز در لغت به معنای، عمر، زندگانی، حیات، زیستن معاشرت، زنده بودن و... است. (معین، ۱۳۷۱، ۲: ۱۷۵۳) «سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها شیوه‌های، رفتار حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در بر می‌گیرد. موسیقی عامه، تلویزیون آگهی‌ها همه و همه تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی را فراهم می‌کنند. روش نوع زندگی فرد گروه یا فرهنگ را سبک زندگی گویند». مفهوم سبک زندگی از مفاهیمی است که در حوزه جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان پاره‌ای واقعیت‌های فرهنگی آن را مطرح و به کار می‌برند و دامنه به‌کارگیری آن در رسانه هم رواج زیادی یافته است.

سبک زندگی در یک تعریف کلی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از همه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است. این امور می‌تواند شامل دارایی‌ها الگوهای رفتاری، روابط اجتماعی، مصرف، فعالیت‌های فراغتی و سرگرمی، پوشش و مدیریت بدن، نحوه غذا خوردن و دکوراسیون منزل و... باشد که امور و رفتارهای



بیرونی و قابل مشاهده هستند. همچنین می‌تواند دربرگیرنده بینش‌ها (ادراکات، اعتقادات و جهان‌بینی) و گرایش‌ها (ارزش‌ها و ترجیحات) و... باشد که رفتارهایی درونی و ذهنی هستند. سبک زندگی، در احساس، تفکر، شیوه زیست و فرهنگ انسان امروزی تغییرات بنیادین به وجود آورده و آن چیزهایی است که متن زندگی انسان را تشکیل می‌دهند. به عبارتی، سبک زندگی شامل مجموعه رفتارها و الگوهای کنش هر فرد و معطوف به ابعاد هنجاری و معنایی زندگی اجتماعی و نشان‌دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش‌های فرد است. همچنین بر ماهیت و محتوای خاص تعاملات و کنش‌های اشخاص در هر جامعه دلالت دارد و مبین اغراض، نیات، معانی و تفاسیر فرد در جریان عمل روزمره و زندگی روزانه است. تعبیر سبک زندگی مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه‌های مختلف است که در زندگی نهادینه شده است. بر اساس این تعریف مراد از «سبک زندگی اسلامی» آن نوع از سبک زندگی است که از آموزه‌های قرآن و روایات سرچشمه گرفته است؛ یعنی مجموعه‌ای از رفتارها و گفتارها در حوزه‌های فردی خانوادگی، ملی بین‌المللی و در ابعاد گوناگون، عبادی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، هنری و... است که از تعالیم قرآن و سنت برخاسته و در زندگی بشر نهادینه شده است. (محمودی، ۱۳۹۵، ۱۹: ۵۶-۵۸)

دانشمندان غربی نیز درباره «سبک زندگی» تعاریف مختلفی دارند. آلفرد آدلر، روان‌شناس آلمانی درباره سبک زندگی می‌نویسد: «سبک زندگی، مشی کلی فرد به‌منظور رسیدن به اهداف و غلبه بر مشکلات است. درخت سبک زندگی دارای ریشه‌هایی در کودکی است و نگرش‌های متعدد فرد را تحت تأثیر خود دارد و چگونگی به انجام رساندن وظایف زندگی را تعیین می‌کند». (کاوایانی، ۱۳۹۲: ۸۸)

۲. سبک زندگی دینی

سبک زندگی دینی در یک نگاه کلی و در نسبت انسان دنیا و جهان آخرت، سه نوع سبک زندگی کلی را می‌توان برای انسان متصور شد. نخست سبک زندگی راهبانه که در آن ترک دنیا و لذا ید آن اساس اندیشه را تشکیل می‌دهد. این نگاه را در غرب،



شاید در دوران قبل از رنسانس بتوان مشاهده کرد. دوم سبک فلسفی کامجویانه از دنیاست که هیچ اعتقادی به آخرت ندارد و هدف انسان را کامجویی از دنیا می‌داند. شاید سبک زندگی حاکم بر غرب کنونی، همین دیدگاه باشد. دیدگاه سوم دیدگاه اسلامی است که هم دنیا و هم آخرت را با هم مدنظر دارد و یکی را پلی برای رسیدن به دیگری می‌داند. (شریعتی، ۱۳۹۱: ۱۰) می‌توان گفت که سبک زندگی دینی، مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ و منسجم از همه امور عینی و ذهنی زندگی فرد یا گروه است که در آن باور به جهان، آخرت به مفهوم غایت خلقت و نگاه به دنیا پلی برای رسیدن به سعادت جاویدان اخروی و بن‌مایه همه بینش‌ها و گرایش‌ها است و به همه رفتارها و انتخاب‌های فرد و گروه جهت می‌دهد. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، سبک زندگی، همان عقل معاش است (دیدار جوانان، ۱۳۹۱/۷/۲۳) که در روایات از آن سخن آمده است. این موضوع نرم‌افزار تمدن اسلامی است. وی دو سبک کلی را برای زندگی تعریف کرده است سبک زندگی غیرتوحیدی که در آن، تعالیم مکاتب مادی در صدر است و مفاهیم مصرف‌گرایی لذت‌گرایی و عرفی بودن دین حاکم است و سبک زندگی توحیدی که در آن، دستورات الهی در صدر است و سیاست فرهنگ و اقتصاد از این مفاهیم تأثیر می‌پذیرد. فرهنگ عمومی به معنای مجموعه نیازهای فرهنگی است که افراد جامعه با آن روبه‌رو و به آن مبتلا هستند. آداب، معاشرت مراعات حقوق، دیگران، نظم، وجدان کاری، انضباط اجتماعی در این مجموعه می‌گنجد. مروری بر عناوین ابواب و احکام فقه موجود، تأثیر بی‌بدیل فقه بر عرصه فرهنگ عمومی را قطعی می‌کند. معارف فقهی چه به‌صورت غیر مستقیم با تقویت، ایمان تقوا و یقین برای همه جامعه و چه به‌صورت مستقیم با تعیین رویه معاشرت و برخورد با دیگران و مسائل و حوادث پیرامونی زندگی، الگوهای رفتاری موردنیاز در این حوزه را ارائه و توان ساختن فرهنگ عمومی جامع و نورانی را فراهم کرده است. (مشکانی سبزواری، ۱۳۹۲: ۹۲)



۳. سبک زندگی فعلی مسلمانان در برابر تأثیرات فرهنگی غرب

امروز از دو الگوی متفاوت سبک زندگی اسلامی و غربی سخن گفته می‌شود. سبک زندگی مردم ما در صدسال اخیر دچار تحولات عمیق و ریشه‌دار شده است و همواره مسئله تماس برخورد پذیرش، طرد، مقابله یا همزیستی میان فرهنگ اسلامی ورود فرهنگ غربی که حامل تجدد و مدرنیته است، مطرح بوده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری- فرهنگی جامعه قرار دارد. غرب فرهنگی با مبانی ماده‌گرایی فردگرایی اصالت لذت حیوانی و استفاده از عقل ابزاری و با تفکری که در آن، انسان مسخ شده می‌خواهد جای خدا را بگیرد و به‌صورت موجودی صاحب علم و اراده و قدرت همه‌چیز را در تصرف و تملک خود درآورده. مدرنیته سبک زندگی خاصی را القا می‌کند که مبتنی بر نسبیت اخلاقی است. در غرب، هدف نهایی از طرح بحث سبک زندگی صرفاً اندیشه‌های سودجویانه کارتل‌های سرمایه‌داری و شرکت‌های بزرگ تولیدی است.

برای نمونه ساموئل هانتینگتون در کتاب «چالش‌های هویت در آمریکا»، موفقیت نظام سیاسی آمریکا را در هویت‌سازی، باوجود حضور افراد متعدد خارجی با رسوم اعتقادات و فرهنگ‌های متفاوت و گاهی متضاد با تمامی جهان «آمریکایی کردن» آن‌ها می‌داند به این معنا که ما با دین، مذهب، رنگ پوست و موی شما کاری نداریم فقط آمریکایی زندگی کنید (سبک زندگی آمریکایی داشته باشید). غرب کوشیده است تاریخ جدیدی با نگرش و هویت تازه‌ای را برای انسان رقم بزند، امثال نیچه هایدگر، هانری کربن، رنه، گنون شوان و فوکو هرکدام به نحوی به این تعارض اشاره داشته‌اند. از سوی دیگر، از آنجا که ایران جامعه‌ای دین‌دار و خدامحور است در آن شاخصه‌هایی مانند صفا، صمیمیت، مهرورزی، ساده زیستی، قناعت آرامش روحی معنویت‌گرایی آرمان‌خواهی و سلحشوری- که از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی است- بین مردم محبوبیت دارد. البته با ورود رویکردها و اندیشه‌های غربی و جلوه‌های مدرنیته، تضاد و چالش بین این دو فرهنگ کاملاً متفاوت ظهور کرد و هنوز این چالش ادامه دارد.



جریان روشنفکر غیردینی با نام پیشرفت، توسعه و نفی عقب ماندگی تاریخی به دنبال القای اندیشه‌های غربی و تجدید حاصل از رشد و گسترش بینش غربی بودند. عده‌ای دیگر تلاش کردند، راه‌های میانه را مطرح کرده و گروهی دیگر به نفی مدرنیته و نقد آن روی آوردند. گرچه هیچ کدام به راهکارهای درخور برای این دوران گذرا، دست نیافتند. تاریخ و سنت اسلامی نگاه متفاوت و معترض به غرب دارد. اشکال اساسی و مهم این است که متأسفانه جامعه ایرانی با وجود مقاومت‌های آگاهانه مردم دین‌مدار و تأکید بر ارزش‌های اسلامی در ظاهر، در عمل با بسیاری از سنت‌های خویش و امور هویتی و قالب‌های سبک زندگی دینی‌اش وداع کرد و عرصه را برای حاکمیت سبک زندگی غربی فراهم نمود که به تعریف جدیدی از هویت، زندگی، عالم علم و دین و دین‌داری منجر شد. حال آنکه خود غرب و فرهنگ غربی دچار بدترین انحطاط شده است. خانم «آنه ماری شیمل» اندیشمند آلمانی که تعداد آثارش تقریباً صد و ده جلد می‌رسد و مدت شصت سال در دانشگاه‌های چندین کشور، به تدریس اسلام‌شناسی و فرهنگ مسلمانان می‌پرداخت، درباره بحران امروز غرب و نیاز به معنویت چنین اظهار می‌دارد:

مبارزه شدید جهان مادی و جهان معنوی دنیای غرب را فراگرفته است. اروپا که به بالاترین درجات علمی و فنی رسیده، امروز بیش از هر زمان دیگری دچار انحطاط گشته است و البته به خطرهایی که تهدیدش می‌کند، آگاهی دارد و در پی راه چاره است. خروج از بحران در نظر من این است که به ارزش‌های معنوی بازگردیم، وگرنه فرجام بدی خواهیم داشت. درست است که انسان به پیشرفت فنی و علمی نیاز دارد؛ اما نباید این روند به بهانه زوال ارزش‌های مقدس تمام شود چیزی که برای من همواره جالب است، ایمان زنده ملل شرق است. خدا در آنجا حی و حاضر است. مردم ایمان دارند اگرچه به زبان نیاورند. آنان به خدا اعتقاد و توکل دارند و این باورهای انسان‌های مسلمان مدام مرا تحت تأثیر قرار داده است. با نهایت این اعتقاد در غرب به مثابه تسلیم در برابر سرنوشت محتوم فهمیده می‌شود که اصلاً چنین نیست. (رضایی بیرجندی، ۱۳۹۵: ۵۴)



۴. حیات طیبه

زندگی معقول و سبک زندگی اسلامی مبتنی بر حیات طیبه است؛ یعنی زندگی خوب و پاک که نقطه مقابل آن حیات خبیثه است. زندگی پاکیزه و معقول، پاداش رفتار صالحانه و اندیشه‌ها و باورهای پاک مؤمنان است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷) حیات طیبه؛ یعنی زندگانی متعادل در صراط مستقیم حق و آن‌گونه که سزاوار انسان است، در هر دو جنبه وجودی انسان هم حرکت و احساس بدن در مجرای متعادل و بدون هیچ انحراف و هم سیر و سلوک روح در مسیر الهی و روحانی و عقلانی که همان حرکت به‌سوی کمال انسانی است.

۵. افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی

سبک زندگی بخش حقیقی و اصلی تمدن اسلامی است. بخش ابزاری عبارتند از ارزش‌هایی که امروزه عامل پیشرفت کشور است؛ مانند علم، اختراع صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی اعتبار بین‌المللی تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، بخش حقیقی، چیزهایی است که متن زندگی را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است؛ مانند مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن نوع لباس الگوی مصرف نوع خوراک نوع آشپزی، تفریحات و... ایمان و عمل صالح ملاک و معیار اساسی سبک زندگی اسلامی و دستیابی به حیات طیبه است. حیات طیبه و لقای پروردگار هر دو با ایمان و عمل صالح به دست می‌آید. حیات، سبب حس و حرکت در همه موجودات است پس حیات طیبه نیز سبب شهود حق تعالی و سیر در تجلیات انوار الهی و سبک زندگی جدید نورانی برای انسان می‌شود.

۱-۵. افتراقات در اندیشه و تفکر

بدون شک فکر و اندیشه هر انسانی مهم‌ترین سرمایه او است و در سطح کلان نیز تفکر و نحوه باورهای حاکم بر هر جامعه تعیین‌کننده خط و مشی مردم آن است. از دیدگاه رهبری مسائلی مانند ایمان، علم، دوری از تقلید صرف و توجه به ارزش‌ها از



مهم‌ترین مؤلفه‌های این حوزه است. (امینی و حلال‌خور، ۱۳۹۴)

۲-۵. ایمان و جایگاه آن در وجود انسان

قرآن کریم از باورها و اعتقادات به «ایمان» تعبیر نموده و جایگاه آن را «قلب» معرفی کرده است. خداوند درباره برخی از اعراب که ادعای ایمان می‌کردند می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ؛ بادیه‌نشینان گفتند: ما ایمان آوردیم. بگو ایمان نیآورده‌اید، بلکه بگویید اسلام آوردیم و هنوز ایمان در دل‌هایتان وارد نشده است». (حجرات: ۱۴) این آیه نشان می‌دهد که انسان باید آمادگی لازم را برای «شناخت» پیدا کند، آنگاه «قلب» خویش را برای پذیرش «ایمان» به آنچه نسبت به آن شناخت و معرفت پیدا نموده، مهیا سازد. ساحت قلب باید مثل آینه از زنگار و غبارهایی همچون اخلاص و عناد و گناه پاک و صیقلی باشد تا نور حیات معنوی از آن بر سراسر وجود انسان ساطع گردد. قرآن کریم با تعبیر مختلفی این حقیقت عالی را برای ساختن یک حیات پاک و زیبا و معنادار مکرراً گوشزد کرده است: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ هر جا باشید، او با شماست و خدا به آنچه می‌کنید بیناست». (حدید: ۴) ترجمان این کریمه در این حدیث شریف است که از امیرالمؤمنین^(ع) نقل شده: «أَفْضَلُ إِيْمَانٍ الْمَرْءُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ مَعَهُ حَيْثُمَا كَانَ؛ از برترین مراحل ایمان انسان این است که بداند هر جا باشد، خدا با اوست». (ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ۲۰: ۲۵۹) همان‌گونه که نقطه آغازین شکوفایی زندگی طیب ایمان به خدا است، شکفتن مستمر گل زندگی حقیقی انسان، در گرو حفظ این نیروی خارق‌العاده در بستر زندگی است؛ به‌گونه‌ای که نه‌تنها پژمرده نشود، بلکه عطر وجودش سرتاسر گیتی و حتی عالم ملکوت را مدهوش سازد؛ چراکه باور قلبی به سرچشمه حیات و آفریننده تمام زیبایی‌ها و لوازم و امکانات رسیدن به آن‌ها، تمام راه‌های رسیدن به زندگی معنادار را برای انسان میسر خواهد کرد.

ایمان تابع تعریف انسان از زندگی و هدف آن است و رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر فرد از زندگی است. هر هدفی که فرد برای زندگی معین کند،



به‌طور طبیعی متناسب با خود، یک سبک زندگی به او پیشنهاد می‌کند. بین بالا بودن ایمان و رضایت از زندگی، حتی در جوامع غربی ارتباط مستقیم وجود دارد. در نتیجه این نوع، ایمان روشندلی، امیدواری به پایان خوب، آرامش خاطر، دوری از گناه، یاری خدا و... در سبک زندگی غربی وجود ندارد، بلکه این ویژگی خاص سبک زندگی اسلامی است.

۳-۵. اعتقاد به توفیقات الهی و بهره‌گیری از آن

یکی از عوامل تداوم حیات معنادار اعتقاد به توفیقات الهی است که آرامش و پایداری را نیز برای زندگی انسان به ارمغان خواهد آورد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ؛ عامل توفیقات الهی را در قالب نزول فرشتگان الهی بر مؤمنان برای تقویت و دلگرمی آنان و از بین بردن ترس و اندوهشان در زندگی معرفی کرده است». (فصلت: ۳۰) در این آیه خداوند بهره‌گیری از توفیقات الهی با استقامت بر کلمه توحید را به‌عنوان راهکاری برای تداوم و استمرار و ثبات قدم در مسیر پاک‌زیستی که همان «صراط مستقیم» است، معرفی کرده است. تعبیر «ثُمَّ اسْتَقَامُوا...» شاهد بر مطلب است؛ چراکه «ثُمَّ» دلالت بر استمرار دارد (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۱۱۹) چنین اعتقادی است که انسان را در مسیر زندگی معقول و پاک و سعادت به تکاپو و تلاش وامی‌دارد: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُحْسِنِينَ». (عنکبوت: ۶۹)

۴-۵. توکل

یکی از مهم‌ترین عوامل تقویت و استمرار عزمی که انسان بر انتخاب سبک زندگی اسلامی نموده است، اعتماد بر خدا و توکل بر اوست. خداوند متعال از پیامبرش خواسته که پس از عزم و تصمیم بر خداوند توکل کند: «فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ». (آل عمران: ۱۵۹) از آنجاکه توکل امر قلبی و درونی است و ریشه در معرفت به خدا و اخلاص انسان مؤمن دارد، اگر در جایگاه اصلی‌اش، یعنی



پس از هدف‌گذاری، تفکر و اندیشه مشورت سازنده و انتخاب نیکو و سپس تلاش قرار گیرد، نقش بسیار حیاتی در معنادار سازی و سبک صحیح زندگی دارد؛ زیرا انسان متوکل خود را به کسی وابسته می‌یابد که از هر کس نسبت به او دلسوزتر و مهربان‌تر و در ساماندهی زندگی و عملکردش در زندگی توانا تر است. لذا به آرامش عمیقی دست‌یافته به آینده نیز امیدوارتر می‌شود.

۵-۵. آخرت طلبی عینی و دل‌نستن به دنیا

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا». (اسراء: ۱۹) آری تلاشی موردپذیرش ساحت مقدس پروردگار قرار می‌گیرد که بر اساس اصل پایدار که بازگشت انسان‌ها به آخرت است انجام گیرد. به دیگر سخن، همت خود را صرف امور ناپایدار و پست دنیایی قرار ندهد، بلکه بلندهمت باشد و تلاش در دنیا را برای اهداف والای الهی ساماندهی کند تا به نتیجه مطلوب دست یابد. یکی دیگر از اموری که شرط نخستین حرکت در مسیر رستگاری و عمل صالح است و قدرت تلاش در جهت پاک‌زیستی را در انسان فراهم می‌آورد، آن است که انسان دل‌بسته و شیفته کروکور دنیا و امور دنیایی نشود. این مطلب در دعای امام سجاد^(ع) به تجافی از دار غرور تعبیر شده است. حضرت زین‌العابدین^(ع) در دعای شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان، از خداوند درخواست می‌کند: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْغُرُورِ». (سید بن طاووس، ۱۳۶۷: ۲۲۸)

آیت‌الله جوادی آملی در بیان تجافی از دار غرور و صعود به‌سوی، نور می‌فرماید: «اولین شرط در حرکت به‌سوی خداوند، آمادگی برای پرش و خیز برداشتن است که از آن به تجافی یاد می‌کنند». (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۲۷۲) قرآن کریم وصف حال اهل تجافی را این‌چنین به تصویر می‌کشد: «تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ؛ مؤمنان واقعی کسانی هستند که شبانگاهان برای دعا و راز و نیاز با خداوند عزیز از رختخواب خویش دور می‌شوند و پهلوهایشان دوخته و چسبیده به استراحت گاهشان نیست». (سجده: ۱۶) تجافی یعنی اجتناب و دوری. انسان باایمان در این دنیا و در میان امور دنیایی زندگی می‌کند؛ اما به خاطر



خداوند و برای تقرب به محبوب، به راحتی می تواند از آن جدا شود. اگر ثروتی دارد به خاطر انفاق در راه خدا، می تواند از آن جدا شود و همین طور از تمام تعلقات دنیایی دیگر. این ویژگی ها فقط از امتیازات سبک زندگی اسلامی است و در سبک زندگی غربی دیده نمی شود.

۵-۶. علم و معرفت

از نظر آیت الله خامنه ای، «علم عامل عزت، قدرت و امنیت ملت است». (بیانات در دیدار نخبگان جوان، ۱۳۸۶/۰۶/۱۲) «کشوری که دستش از علم تهی است، نمی تواند توقع عزت، استقلال، هویت و شخصیت، امنیت و رفاه داشته باشد رهبری نقش علم را حتی در ساده ترین امور زندگی، مثل آرایش و پوشش نیز پررنگ قلمداد می کند. اگر شما موی سرتان را می خواهید آرایش کنید، لباس بپوشید، سبک راه رفتن را تغییر دهید بکنید اما خود انجام دهید، از دیگران یاد نگیرید. (بیانات در دیدار جوانان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷) امیرالمؤمنین^(ع) می فرماید: «رحم الله امرئ و علم من این وفی این و الی این». (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۴، ۱: ۵۷۱) این نوع علم و معرفت فقط در سبک زندگی اسلامی پیدا می شود.

۵-۷. پرهیز از تقلید

یکی از مهم ترین دغدغه های حضرت آیت الله خامنه ای، تلاش برای ساختن نسلی است که از تقلید کورکورانه دور باشد. ایشان می فرماید «تقلید از غرب برای کشورهای که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده. فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم و نابودکننده فرهنگ ها است. هر جا غربی ها وارد شدند، فرهنگ های بومی را نابود کردند، بنیان های اساسی اجتماعی را از بین بردند. تا آنجا که توانستند تاریخ ملت ها را تغییر دادند». (بیانات در دیدار مردم بیجار، ۱۳۸۸/۲/۲۸) ایشان با تبیین ابعاد مختلف تهاجم فرهنگی می فرماید: «من که می گویم تهاجم فرهنگی عده ای خیال می کنند مراد من این است که مثلاً پسری موهایش را بلند کند. تهاجم فرهنگی بزرگ تر این است که این ها در طول سال های



متمادی به مغز ایرانی و باور ایرانی تزریق کردند که تو نمی‌توانی و باید دنباله‌رو غرب و اروپا باشی نمی‌گذارند خودمان را باور کنیم. الآن شما اگر در علوم انسانی یا پایه، یک نظریه علمی داشته باشید خلاف نظریات رایج و نوشته شده دنیا عده‌ای می‌ایستند و میگویند حرف شما مخالف با نظریه فلانی است؛ یعنی آن طوری که مؤمنین نسبت به قرآن و کلام خدا و وحی الهی اعتقاد دارند، این‌ها به نظرات فلان دانشمند اروپایی همان اندازه یا بیشتر اعتقاد دارند. (بیانات در دیدار جوانان همدان ۱۷/۴/۱۳۸۳) آنگاه تفاوت تعامل و تهاجم فرهنگی را این‌گونه بیان می‌کنند: «تعامل فرهنگی مثل این است که شما بر سر بساط میوه یا غذا و سبزی فروشی می‌روید و آنچه را که می‌لتن می‌کشد و با مزاجتان مساعد است انتخاب می‌کنید و می‌خورید. در عالم فرهنگ هم همین است که آنچه دیدید و پسندیدید و مناسب خود دانستید و در آن ایرادی مشاهده نکردید از مجموعه و ملت دیگر می‌گیرید هیچ اشکالی هم ندارد در تهاجم فرهنگی به شما نمی‌گویند انتخاب کن، بلکه شما را می‌خوابانند، دست و پایتان را می‌گیرند و ماده‌ای را که نمی‌دانید چیست با آمپولی که نمی‌دانید چیست به شما تزریق می‌کنند. (بیانات در دیدار دانشجویان قزوین ۲۶/۹/۱۳۸۲) از دیدگاه رهبری اگر انسان از بند تقلید رهایی یابد، عنصری می‌شود که مثل یک ستون، سقف مدنیت کشور و تمدن حقیقی ملت بر روی آن قرار می‌گیرد. (بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان رشت، ۱۲/۲/۱۳۸۰)

پرهیز از تقلید ناآگانه در سبک زندگی مسلمانان کمتر مشاهده می‌شود. به همین دلیل فرهنگ اسلامی در جهان خیلی معرفی نشده است؛ اما اگر از تقلید پرهیز شود و بر مؤلفه‌های خود اسلام و قرآن تکیه شود، سبک زندگی خوب و واقعی در جامعه اسلامی رواج می‌یابد. در جهان غرب چون پرهیز از تقلید بیگانه دیده می‌شود فرهنگ و سبک زندگی آن‌ها با اهداف خودشان مطابق است.

۵-۸. توجه به شعائر دینی

شعائر نوعی علامت است که بر اساس یک اندیشه یا احساس ظهور و در فضای رفتاری، تأثیر خاصی ایجاد می‌کند. در اصل، شعائر که هویت بصری دارند، ابزار

ارتباط ذهنی می‌شوند و به‌مرور، انفکاک و جداسازی فرد از نماد و شعائر مشکل می‌شود نمادها و شعائر می‌توانند به‌مرور زمان بر اثر توجه انسان را به‌سوی فضای مثبت یا منفی سوق دهند و این مطلب در حوزه دین به‌فراوانی یافت می‌شود. از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در حوزه دینی، شعائر چنین فرایندی را در انسان ایجاد می‌کنند. دقت در رعایت شعائر و احترام و التزام به آن‌ها نشانه‌ اثری است که فراتر از فضای مادی است. ایشان بر این باور است که «مطلقاً نباید نشانه‌های اسلامی را تضعیف کرد: «وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»؛ (حج: ۳۲) بعضی‌ها به اسم اینکه ما اهل ریا نیستیم و نمی‌خواهیم تظاهر کنیم، شعائر اسلامی علامت‌های اسلامی، رفتار اسلامی و پرچم‌های اسلامی را از زندگی خودشان و مردم جمع می‌کنند. بنده مطلقاً این را توصیه نمی‌کنم». (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸) همچنین فرمود: «می‌گویند چرا ماتم و اشک را در بین مردم رواج می‌دهید. این ماتم و اشک برای ماتم نیست برای ارزش‌هاست آنچه پشت سر این عزاداری‌ها بر سر و سینه زدن‌ها وجود دارد عزیزترین چیزهایی است که در گنجینه بشریت ممکن است وجود داشته باشد. او همان ارزش‌های معنوی الهی است. (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۸۶/۱۰/۱۹) پس این ویژگی هم فقط از امتیازات سبک زندگی اسلامی است، اما در سبک زندگی غربی این نوع امتیازات و ویژگی‌ها دیده نمی‌شود.

۹-۵. الگوگیری از پیشوایان دین و انبیای الهی^(ع)

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سبک زندگی، اسلامی بازخوانی سبک زندگی پیشوایان و انبیای الهی است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: «خدای متعال به ما مسلمانان دستور داده است که از پیامبر^(ص) تبعیت کنیم جامعه اسلامی ما آن‌وقتی به معنای واقعی کلمه جامعه اسلامی کامل است که خود را بر رفتار پیامبر^(ص) منطبق کند». (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۷۰/۵/۷) ایشان حتی در بعد حکومتی نیز بر این باور است که «حاکمان باید الگویی داشته باشند و بهترین الگو، حکومت علوی است». (خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۰/۹/۱۶)



۶. افتراقات در اوصاف و ویژگی‌های فردی

۱-۶. خوراک و پوشاک

در مقوله خوراک و ضرورت توجه به این مقوله در قرآن نیز مورد تأکید است: «فَلْيُنْظَرْ
الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ». (عبس: ۲۴) حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز شیوع بیماری‌های
بی‌درمان و صعب‌العلاج و شیوع مرگ و میرهای ناگهانی و سکنه‌ها را نتیجه دوری از
اصول تغذیه اسلامی و سبک زندگی دینی می‌داند. به باور ایشان بسیاری از انحرافات
اخلاقی غیرقابل کنترل، نیز می‌تواند حاصل دوری از اصول اساسی تغذیه در مکتب
اسلام باشد که باید هزینه‌های سنگین آن را پرداخت. درحالی که همین هزینه را
می‌توان درراه توسعه رفاه عمومی و فرهنگی مصرف کرد. در اقتصاد مقاومتی این نوع
نگاه مهم است که برای کاستن از هزینه‌های زاید، باید دنبال راهکارهایی بود. یکی
از بهترین راهکارها، توجه به اصول تغذیه است. (بیانات در دیدار جوانان خراسان
شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳) در سبک زندگی غربی، این نوع اصول تغذیه سالمی که در قرآن
و احادیث معصومین^(ع) آمده است، وجود ندارد.

در مقوله لباس و پوشش، در هر جامعه، نوع و کیفیت لباس زنان و مردان علاوه
بر اینکه تابع شرایط اقتصادی، اجتماعی و اقلیمی است، تابع جهان‌بینی و ارزش‌های
حاکم بر آن جامعه هم است. حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره ضرورت توجه به
این مقوله می‌فرماید: «بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی
قضیه طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیایید یک لباس ملی درست کنیم. من
و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست. البته من نمی‌گویم طرح این لباس حتماً
باید برگردد به لباس پانصد سال قبل من می‌گویم بنشینید برای خودتان یک لباس
طراحی کنید». (بیانات در دیدار جوانان، همدان ۱۳۸۳/۴/۱۷) ایشان با اشاره به
طرح‌های دشمن در این زمینه می‌فرماید: «کشف حجاب از بین بردن آن حائل و
فاصله‌ای است که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است که این برای سلامت
زن و سلامت مرد است؛ برای سلامت جامعه است تا همان بلایی که بر سر زن
در جوامع غربی آمد بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند». (بیانات در دیدار مردم قم،



۱۳۸۶/۱۰/۱۹) همچنین فرمود: «در دنیا سر رشته فرهنگ، دست عده‌ای است که آن‌ها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و... اخلاق و معرفت را برای انسان‌های بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان حفظ کند این ملت مستقل خواهد بود، اما اگر نتواند، این ملت ملتی وابسته و اسیر است». (بیانات در دیدار اқشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۹/۱۵) می‌توان گفت که لباس و پوشش در سبک زندگی اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ اما در سبک زندگی غربی، لباس و پوشش به‌ویژه نسبت به زنان هیچ اهمیتی ندارد، بلکه بدون لباس بودن یا نیم عریان بودن را ممدوح می‌دانند. در نتیجه زنان غربی مقام و منزلت زن واقعی را ندارند.

۶-۲. گردش و تفریح

چگونگی گذراندن اوقات فراغت تا حدود زیادی نشان دهنده ویژگی‌های فکری فرد و ویژگی‌های فرهنگی جامعه‌ای است که فرد در آن زندگی می‌کند. آیت الله خامنه‌ای می‌فرماید: «باید بتوان خواسته‌های جوانان و نوجوانان را مدیریت کرد و تفریحات سالم متناسب با گروه سنی‌شان را به آنان معرفی کرد. هر تفریحی که به حرام خدا نینجامد تفریح سالم است». (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳) «درس خواندن، پاک دامنی و پرهیز از سرگرمی‌های عاطل و باطل، جزء وظایف جوان‌ها است». (بیانات در دیدار اعضای انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان، ۱۳۸۳/۱۲/۲۴) ایشان جوانان را از اسراف حتی در این حوزه از زندگی نیز بر حذر می‌دارد و می‌فرماید: «کسانی هستند که حتی در کارهای تفننی و تفریحی خودشان هم اسراف می‌کنند. برای مثال به خارج از کشور مسافرت می‌کنند در این کشور به این، بزرگی، خیلی‌ها همین تفریح و تفرج را هم نمی‌توانند بکنند. بعضی‌ها تا دستشان به دهانشان می‌رسد برای تفریح و تفرج خودشان یا خانواده‌هایشان به فلان کشور خارجی می‌روند این‌ها اسراف قطعی و حرام است». (خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۷۷/۱۰/۴) این نوع ویژگی که سفر و تفریح است، هرچند در سبک زندگی غربی هم وجود دارد اما سفر و تفریحی که بدون اسراف باشد فقط در سبک زندگی اسلامی

قابل مشاهده است.

۳-۶. اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف به معنای تغییر الگوی مصرف یک ماده، محصول یا خدمات به منظور کاهش مصرف آن و افزایش بهره‌وری است. درواقع، هدف اصلاح الگوی مصرف این است که با استفاده بهینه از منابع، انرژی و مواد، بهبود محیط‌زیست را ترویج دهد و همچنین هزینه‌های مرتبط با مصرف را کاهش دهد. اصلاح الگوی مصرف می‌تواند در بسیاری از زمینه‌ها اعمال شود، از جمله انرژی، آب، حمل‌ونقل، مواد غذایی و مصرف الکترونیکی. برخی از روش‌های اصلاح الگوی مصرف عبارت است از استفاده کمتر از منابع و مواد با توجه به نیازهای واقعی، استفاده بهینه از منابع و انرژی با استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و روش‌های بهینه‌سازی و اصلاح الگوی مصرف در نهایت بهبود محیط‌زیست، صرفه‌جویی در هزینه‌ها و حفظ منابع طبیعی را به همراه دارد. آیت الله خامنه‌ای با تشریح زمینه‌های تغییر و تحول جدی در جامعه و با اشاره به موضوع اسراف‌های شخصی و عمومی و مصرف بی‌رویه منابع کشور مسئولان قوا و مردم را به برنامه‌ریزی و حرکت در مسیر اصلاح الگوی مصرف دعوت کرد. فهم الگوی مصرف، آسیب‌شناسی و بهینه‌سازی آن با در نظر گرفتن سبک زندگی طبقات مختلف جامعه میسر می‌شود. (سخنرانی در حرم رضوی ۴/۱/۱۳۷۴) ایشان اشرافی‌گری و مصرف بی‌رویه را یک بیماری (بیانات در دیدار مردم یزد، ۱۲/۱۰/۱۳۸۶) و با تبعات منفی فرهنگی برای کشور می‌داند. (سخنرانی در حرم رضوی ۱/۱/۱۳۸۸) و می‌فرماید: «صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست، بلکه به معنای ضایع نکردن مال، مصرف را کارآمد و ثمربخش کردن است. (سخنرانی در حرم رضوی، ۱/۱/۱۳۸۸) این نوع مقوله‌ها فقط در سبک زندگی اسلامی به‌طور اکمل و احسن دیده می‌شود نه در سبک زندگی غربی.





۷. افتراقات در اوصاف و ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی

۷-۱. نظم و انضباط اجتماعی

در مسئله انضباط اجتماعی تأکید بر اصلاح رفتارهای غلط اجتماعی مانند فرهنگ نادرست رانندگی، فرهنگ نادرست آپارتمان‌نشینی و... است. (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳) ایشان با اشاره به تأثیر رفتارهای تک‌تک افراد جامعه در دیگران، می‌فرماید: «آنچه ما در تحول همراه با پیشرفت موردنظرمان است مبارزه با فقر تبعیض، بیماری، جهل، ناامنی بی‌قانونی مدیریت‌ها را به سطح علمی‌تر ارتقا دادن انضباط اجتماعی، رشد امنیت و... است». (بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان ۱۳۸۵/۸/۱۸) در جای دیگر می‌فرماید: «باید کسانی که منادی و محافظ مسائل فرهنگی هستند برای دمیدن دو روحیه وجدان کاری و انضباط اجتماعی در مردم برنامه‌ریزی کنند». (پیام نوروزی، ۱/۱/۱۳۷۴)

۷-۲. قانون مداری

قانون از دیدگاه رهبری از اغتشاشات جلوگیری می‌کند؛ (بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴) زیرا به نظر ایشان، «قانون قالب عملکرد همگان است» (بیانات در دیدار دانشجویان، قزوین ۱۳۸۲/۹/۲۶) و حتی قانون بد از بی‌قانونی بهتر است. (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۰/۱۰/۱۹) قانون معیار و شاخص عدل است». (بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه ۱۳۸۸/۴/۷) با توجه به این اهمیتی که ایشان به قانون قائل است، می‌فرماید: «توصیه من به همه مسئولان، به همه مراکز قانون‌گذاری و به همه آحاد ملت رعایت قانون است اگر ما قانون را رعایت کنیم، دشمن نمی‌تواند به طمع‌ورزی خود ادامه دهد». (بیانات در اجتماع مردم قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴) این دو ویژگی در سبک زندگی اسلامی و همچنین در سبک زندگی غربی هم وجود دارد.

۸. افتراقات در مسائل خانوادگی

۸-۱. ازدواج

در مسئله ازدواج امر نخست سن ازدواج است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این



زمینه می‌فرماید: «سنین ازدواج، نه به آن شوری شور باید باشد که بعضی‌ها فکر کردند باید در سنین کاملاً جوانی زودرس باشد و نه هم به آن بی‌نمکی که غربی‌ها انجام می‌دهند و در سن سی، چهل سالگی ازدواج می‌کنند». (بیانات در دیدار جوانان ۷/۲/۱۳۷۷) مسئله دوم سهولت ازدواج است. «ازدواج باید امری آسان باشد نه امری، دشوار پرهزینه و خارق‌العاده امر سوم، لزوم حذف برخی از قید و بندهای باطل در ازدواج است اگر ما کاری کنیم که عقد و ازدواج ما از آن چیزهایی که اسلام ازاله کرده دور و پاک باشد و به آن سنت‌هایی که اسلام بنیان‌گذاری کرده است آراسته و مزین باشد، عقد و ازدواج ما اسلامی خواهد شد و عقد بر اساس رضای پیامبر^(ص) و رهبر عظیم‌الشأن بشریت خواهد شد». (خطبه عقد، ۲۲/۱/۱۳۷۴) «بهترین دخترهای عالم، حضرت زهرا^(س) بود. بهترین پسرهای عالم و بهترین دامادها هم حضرت امیرالمؤمنین^(ع) بود. آن‌هایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند هم بزرگان زمان خودشان بودند، ببینید چطوری ازدواج کردند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود. مثلاً هزار شتر. آیا این‌ها از دختر پیامبر^(ص) بالاتر بودند. از دختر پیامبر^(ص) تقلید کنید». (خطبه عقد، ۱۷/۲/۱۳۷۵)

ایشان در تبیین معیارهای ازدواج خوب می‌فرماید: «بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی هتل چنین و چنان رفتن، سالن‌های گران گرفتن، خرج‌های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر؛ عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر، به انسانیت و تقوا و پاک‌دامنی و بلندنظری آن‌هاست». (خطبه عقد ۱۸/۹/۱۳۷۵)

ایشان درباره لزوم حذف برخی از تشریفات مضر از مسیر ازدواج جوانان می‌فرماید: «از بعضی‌ها وقتی می‌پرسیم که شما چرا برای دونفری که می‌خواهند زندگی بکنند بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای خودتان درست کنید. می‌گویند، خب ما داریم. چون داریم می‌خواهیم مصرف بکنیم. آیا این استدلال کافی است؟ این استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست، بتواند ازدواج کند». (خطبه



عقد، ۵/۸/۱۳۷۵) غربی‌ها در قبال این سبک زندگی، یا تشکیل خانواده نمی‌دهند یا بدون معنویت و صمیمیت ازدواج می‌کنند که اصل هدف ازدواج و تشکیل خانواده را از بین می‌برند.

۲-۸. روابط خانوادگی

اگر جامعه به افرادش وابسته باشد، افراد نیز به خانواده خویش وابسته‌اند. دانش‌های انسانی امروز به دودسته دانش‌های مربوط به انسان و دانش‌های مربوط به اجتماع تقسیم می‌شود. این تقسیم بسیار ناقص است و همه شئون زندگی مادی انسان را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا خانواده در آن دیده نشده است باید گفت که دانش‌های انسانی باید بر سه دسته روان‌شناسی، خانواده‌شناسی و علوم اجتماعی تقسیم شود این تقسیم‌بندی در دانش فلسفه اسلامی در نظر گرفته شده است که در آن پس از تقسیم علم به نظری و عملی، دانش عملی را به سه قسم روان‌شناسی (اخلاق) جامعه‌شناسی (سیاست مدن) و تدبیر منزل تقسیم می‌کنند که متأسفانه علم تدبیر منزل از یادها رفته و روان‌شناسی بار آن را برعهده گرفته است. پس اولین گام در این راستا، احیای علم خانواده‌شناسی است تا در این بستر بتوان راهکاری نظام‌مند برای رسیدن به سبک زندگی اسلامی ارائه داد. حضرت آیت الله خامنه‌ای در این می‌فرماید: «آن کشورهایی که در آن خانواده دارد ضایع می‌شود، درواقع پایه‌های مدنیت آن‌ها دارد می‌لرزد و نهایتاً فرو خواهد ریخت». (خطبه عقد، ۹/۱۱/۱۳۷۶) آنگاه برای رفع این معضل می‌فرماید: «همت مهمتان باید این باشد که واقعاً از کار زن گره‌گشایی کنید. یکی از مهم‌ترین گره‌ها در خانواده است». (بیانات در دیدار اعضای شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۴/۱۰/۱۳۷۰) ایشان به لزوم کیفیت‌بخشی به حضور زنان در خانواده‌ها اشاره می‌کند و به زنان توصیه می‌کند که خانواده را فدای شغل‌های اجرایی بیرون از خانه نکنند. ایشان برای حل بحران زن در جهان، دو اقدام ضروری را متذکر می‌شود: نخست درست فهمیدن جایگاه زن در جامعه و دوم، درست فهمیدن جایگاه خانواده است. (بیانات در دیدار بانوان نخبه، ۳/۱/۱۳۹۰) «نظر اسلام در باب جایگاه زن در خانواده خیلی روشن است: «المرأة سيدة بيتها» (پاینده، ۶۱۴: ۱۳۸۵؛



متقی هندی، ۱۴۱۹، ۲۲) جایگاه زن در خانواده همانی است که در گفتارهای گوناگون ائمه^(ع) آمده است: «المرأة ریحانة و لیست بقهرمانة» (نهج البلاغه، ۱۴۲۳، ن ۳۱) «قهرمان، یعنی کارگزار، پادو، یک خدمتگزار محترم. زن در داخل خانه، قهرمانه نیست؛ گل خانه است. این‌ها نظرات اسلام است و تحقق خواسته اسلام در خانواده احتیاج به پشتوانه قانونی و ضمانت اجرایی دارد و این کار باید انجام بگیرد». (بیانات در دیدار بانوان نخبه ۳/۱/۱۳۹۰) در حالی که در سبک زندگی غربی زن مثل یک ماشین اقتصادی است که باید پول دربیارد.

۳-۸. حد زاد و ولد

مدتی است که در فیلم‌ها، مجموعه‌های ورزشی و... در غرب روی بحث خانواده، فرزند و جمعیت تأکید زیادی می‌شود. مراسم اهدای جام در مسابقات ورزشی و حضور کودکان و فرزندان بازیکنان در زمین شاید نوعی تبلیغ خانواده‌مداری و سوق دادن شهروندان اروپایی به سمت تشکیل خانواده و تولید مثل باشد. نگاه جامعه به گروه‌های مرجعی مانند بازیگران سینما، بازیکنان فوتبال، خوانندگان و هنرمندان در غرب موجب توجه سیاست‌گذاران غربی شده که ممکن است برای نقش‌آفرینی آن‌ها در افزایش جمعیت، توجه داشته باشند. یکی از مؤلفه‌های قدرت، جمعیت کشور است. آیت الله خامنه‌ای با اشاره به ضرورت کثرت جمعیت، می‌فرماید: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند ۱۵۰ میلیون نفر جمعیت داشته باشد». (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۱۶/۵/۱۳۹۰) ایشان با تأکید بر لزوم بازنگری در سیاست‌های جمعیتی می‌فرماید: «در اوایل دهه ۷۰، اجرای این سیاست بنابر مصالحی صحیح بود؛ اما ادامه آن در سال‌های بعد خطا بود». (بیانات در دیدار مسئولان نظام ۱۶/۵/۱۳۹۰) کشور باید نگذارد که غلبه نسل جوان و نمای زیبایی جوانی در کشور از بین برود. یک‌زمانی را مشخص کردند و به من نشان دادند که در آن زمان ما از جمعیت فعلی مان کمتر جمعیت خواهیم داشت. این‌ها چیزهای خطرناکی است. در این سیاست تحدید نسل، حتماً باید تجدیدنظر شود و کار درستی باید انجام بگیرد. (بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۳/۵/۱۳۹۱)



۹. افتراقات در مقوله کسب و کار

یکی دیگر از حوزه‌هایی که در سبک زندگی باید بدان توجه شود حوزه کسب و کار است. در این حوزه، ایشان بر دو عنصر وجدان کاری و توجه به کار جمعی تأکید فراوان دارند.

۹-۱. وجدان کاری

رهبر معظم انقلاب از مسئولان می‌خواهد که به مسئله ساعات مفید کار توجه داشته باشند و کار را برای مردم مانند یک عبادت ترسیم کنند. (بیانات در دیدار مسئولان نظام (۱۶/۵/۱۳۹۰) ایشان کار را عمل صالح می‌دانند. (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان، ۱۴/۲/۱۳۸۷) و وجدان کاری را یک ضرورت قلمداد می‌کنند. (بیانات دیدار کارگران و معلمان، ۱۰/۲/۱۳۷۶) و در بیان علائم تحقق وجدان کاری می‌فرماید: «اگر تولید در زمینه اقتصادی زیاد شده باشد، کارهای اجتماعی اداری و اقتصادی، روان‌تر و آسان‌تر شده، اجناس مورد استفاده مردم فراوان‌تر باشد نشانه آن است که وجدان کاری در جامعه ما بیدار شده است. (پیام نوروزی، ۱/۱/۱۳۷۴)

۹-۲. توجه به کار جمعی

اسلام، مسلمانان را به تعاون و همکاری فرامی‌خواند. (مائده: ۵) کارشناسان علوم اجتماعی بر این باورند که مهم‌ترین عامل توسعه در هر کشوری، ابزار، فناوری و پول نیست، بلکه نیروی انسانی است که اتحاد و همکاری این نیروها می‌تواند، موانع پیشرفت و آبادانی را سریع‌تر و با زحمت کمتری از سر راه بردارد. رهبر انقلاب بی‌توجهی به کار جمعی را یکی از عیوب ملت ایران می‌داند. (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳/۱۱/۱۳۸۸) «کار جمعی، تعاون و همکاری با یکدیگر و همت بلند است. کودکان و همچنین جوانان را از آغاز عادت بدهیم که با همت بلند نگاه کنند. (بیانات در دیدار معلمان و اساتید دانشگاه‌های خراسان شمالی، ۲۰/۷/۱۳۹۱) وجدان کاری و توجه به کار جمعی هم در هر دو سبک زندگی اسلامی و غربی تا حدی وجود دارد، ولی کسب و کار در سبک زندگی اسلامی،



عبادت محسوب می‌شود. در صورت که در سبک زندگی غربی، چنین انگیزه‌ای قابل مشاهده نیست.

نتیجه‌گیری

برای بیان افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی، مؤلفه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب در حوزه تفکر و اندیشه، اوصاف و ویژگی‌های فردی، خانواده، اوصاف و ویژگی اجتماعی و کسب و کار دسته‌بندی می‌شود. در حوزه تفکر و اندیشه، مؤلفه‌هایی مثل ایمان به خدا و غیب علم و آگاهی از واقعیت پرهیز از تقلید کورکورانه، توجه به شعایر دینی و توجه به ارزش‌های فرهنگی و تاریخی از امتیازات سبک زندگی اسلامی است. در حوزه اوصاف فردی مؤلفه‌هایی مثل لباس و پوشش، خوراک و آشپزی، گردیش و تفریح و الگوی مصرف که بدون اسراف و با شأن بشریت باشد هم جزو امتیازات سبک زندگی اسلامی است. در حوزه خانواده، مؤلفه‌هایی مثل سبک ازدواج، سبک روابط اجتماعی در درون خانواده و سبک تولیدمثل که با سازگاری کامل طبیعت انسان هم فقط در سبک زندگی اسلامی وجود دارد. در حوزه خلیات و اوصاف اجتماعی مؤلفه‌هایی مثل انضباط اجتماعی و قانون مداری از اشتراکات سبک زندگی اسلامی و غربی است. در حوزه کسب‌وکار نیز به دو عامل وجدان کاری و روحیه کار جمعی می‌توان اشاره کرد.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. امینی، نوروز، حلال خور، کوثر، (۱۳۹۴)، مؤلفه‌های سبک زندگی دینی از دیدگاه حضرت آیت الله خامنه‌ای، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۸۴، ۱۰.
۳. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹)، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم: اسراء.
۴. خامنه‌ای، سید علی، پایگاه اطلاع رسانی حضرت آیت الله خامنه‌ای به نشانی www.khamenei.ir
۵. رضایی بیرجندی، علی، (۱۳۹۵)، سبک زندگی در صحیفه سجادیه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۶. زمخشری، جارالله محمود، (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
۷. سید بن طاووس، علی بن موسی، (۱۳۶۷)، إقبال بالأعمال الحسنه، تهران: دار الکتب السلامیه.
۸. شریعتی، سید صدرالدین، (۱۳۹۲)، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی در آیات و روایات، نشریه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره ۱۳، ۱-۱۰.
۹. کاویانی، محمد، (۱۳۹۲)، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاهی.
۱۰. محمودی، اکبر، (۱۳۹۵)، بررسی جایگاه علم در سبک زندگی قرآنی، دو فصلنامه قرآن و علم، ش ۱۹،.
۱۱. مشکانی سبزواری، عباسعلی (۱۳۹۲) سبک زندگی در آیین فقه سنتی نشریه حکمت اهل بیت^(ع)، ۱ (۱)، ۸۳-۱۰۴.
۱۲. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی معین، تهران: امیرکبیر.